

جلوه‌های صبر در گلستان و بوستان سعدی

حسینعلی موسی زاده^۱، دکتر سید محمود سیدصادقی^۲

دکتر سید جعفر حمیدی^۳



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

صبر یکی از ابزارهای مهم رسیدن به جاده‌ی موقّیت است، زیرا با صبر و حوصله می‌توان چاره‌اندیشی کرد و بهترین و کوتاه‌ترین راه‌های از مشکلات یا کسب پیروزی‌ها را پیدا نمود. شتاب و عجله نه تنها موقعیت‌ها را از انسان می‌گیرد، بلکه از جهت روحی نیز آثار مخرب و سوئی دارد. که بعضاً در جسم و اخلاق و رفتار شخص نیز ظاهر می‌شود و حتی ممکن است جبران ناپذیر باشد. نصایح سعدی، شاعر اخلاق‌گرایی که شهره‌ی آفاق است و حکمت‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، آویزه‌ی گوش هر مسلمان و حتی غیرمسلمان بوده و هست. از طرفی اندرزهای این دو شخصیت برجسته، برای بشر امروز و نسل‌های آینده می‌تواند راه‌گشا باشد. بنابراین در این مقاله صبر از دیدگاه روان‌شناسی مورد بررسی واقع شده است و پایه و اساس این پژوهش، اشعار گلستان شیخ اجل، سعدی شیرازی و مقایسه و مطابقت آن‌ها با حکمت‌های نهج البلاغه است. آن چه که سعدی می‌خواست آن بود که مردم با عملیاتی کردن نکات مطروحه در آثار خویش در همه‌ی زمینه‌های حیات کام‌روا شوند تا سعادت‌مند حقیقی باشند و این پژوهش بر همین اساس بنای کار را بر چنین تفسیر و تعبیری از آثار شیخ قرار داده است.

کلید واژه‌ها: صبر، روان‌شناسی، گلستان، بوستان، نهج البلاغه.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

۳- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

مقدمه

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز توسل جوید که خدا یاور صابران است.» (بقره آیه ۱۵۳ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای) صبریکی از مقوله‌های مهم روان‌شناسی است. که امروزه بر آن تأکید فراوان می‌شود. چون بسیاری از آسیب‌های روحی و جسمی بر اثر ناخویشتن‌داری پدید می‌آید. از سوی دیگر دانشمندان و شاعران ایرانی که همیشه در دانش‌های گوناگون پیشرو دیگر جهانیان بوده‌اند از دیر باز که علم روان‌شناسی مانند این روزگار چندان شناخته نبود به این موضوعات توجه داشته‌اند و آن‌ها را در اشعار، حکایات و گفته‌های متثور علمی و ادبی خویش بیان کرده‌اند.

یکی از این بزرگان علمی و ادبی، سعدی است، که تسلط وی بر علوم مختلف، تجربه‌ها، جهان‌گردی‌ها و آگاهی‌های او از احوال و روحيات ملل مختلف برکسی پوشیده نیست. به همین دلیل در این پژوهش موضوع صبر در اشعار گلستان-که خود نتیجه‌ی حکایت‌های این کتاب است-مورد بررسی قرار گرفته و برای اثبات دینی این مطالب، آن‌ها را با حکمت‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه مطابقت داده‌ایم. پژوهنده امید آن دارد که بتواند، با کنکاش‌های روان‌شناسی در آثار بزرگان ادبی ایران که نیاز امروز هر جامعه‌ای است و تطبیق آن‌ها با آموزه‌های دینی در سخنان حکیمانه‌ی امام اول شیعیان، پیوستگی و وابستگی دین، اخلاق و روان‌شناسی را بیشتر نشان دهد و ادیبان، شاعران و نویسندگان کهن ایران را آگاه بر این موضوعات معرفی نماید.

صبر در لغت

«(ص). [ع.] (۱). گیاهی است با برگ‌های دراز و ضخیم و تیغ دار با گل‌های زرد

رنگ. در جاهای گرم می‌روید و طعم تلخ دارد» (محمد معین، ۱۳۸۴)

«صبر ۱- (مص ل.) شکیبیدن، بردباری کردن. ۲- (امص.) شکیبایی، بردباری،

۳- (تص.) ترک شکایت از بلایا و شداید. ۴- (تص.) انتظار فرج خدا. ۵- (عم.)

عطسه.» (محمد معین، ۱۳۸۴)

«صبر شکیبایی. شکیبایی کردن. پائیدن. نقیض جزع. و در کشاف اصطلاحات

الفنون آمد: صبر به فتح و سکون بابه معنی شکیبائی است. سالکان گفته اند: تصبر

واداشتن نفس است بر مکاره و تجرّع مرارت؛ یعنی اگر آدمی صبر را مالک نبود

بایست که بکوشد و نفس خود را به صبر وادارد و صبر ترک شکایت است از جز به

سوی خدا. سهل گوید: صبر انتظار فرج خداست و آن فاضل‌ترین خدمت و برترین

آن است، و جز سهل گوید: صبر آن است که در صبر صابر باشی و معنی آن این که؛

در بلاها و شدائد خروج از آن نبینی. و گفته‌اند صبر آن است که بنده را اگر بلا برسد

نالند، و رضا آن که بنده را اگر بلا برسد ناخوش نگردد دهنده و ستاننده خداست

تو را در این میان چه کار است. و بعضی گویند اهل صبر بر سه مقامند: اول ترک

شکایت و این درجه‌ی تائبان است دوم رضا به مقذور و این درجه زاهدان است سوم

محبّت آن است، که مولی با وی کند و این درجه‌ی صدیقان است و گفته‌اند: صبر

ترک شکایت از الم بلوی است جز به سوی خدا چه خدا ایوب را بر صبری که کرد

ثنا فرستاد و ایوب در دفع مضرّت از خود شکایت به خدا برده بود. ... صبر دو قسم

است: یکی بدنی و آن تحمّل بدن است مشقات را و دیگر نفسانی و آن بازداشتن

نفس است از مشتتهیات طبع؛ و این قسم اگر صبر از شهوت باشد آن را عفت نامند و

اگر بر احتمال مکروه باشد اسامی مختلف دارد چنان که صبر در مصیبت را صبر نامند

و اگر صبر در حال غنی باشد آن را ضبط نفس نامند و اگر در نبرد باشد شجاعت

خوانند و اگر در کظم غیظ بود حلم نامند و اگر در نوائب باشد سعی صدر گویند

حوادث چاره ناپذیر سازش و همکاری و مدارا کنید.» (دیل کارنگی، ۱۳۸۷، ۱۰۰ و ۱۰۱) پس باید صبرداشته باشید و نگذارید مشکلات و موانع، شما را نا امید کنند. از مشکلات درس عبرت بگیرید. و از هر خطایی تجربه‌ای کسب کنید. «صبر، شکیبایی استقامت و بردباری از شیوه‌ی مردان بزرگ و کامیاب جهان است. صبر و شکیبایی که یک فضیلت عالی انسانی است. گاهی با یک رذیله‌ی اخلاقی به نام سستی و تنبلی و دست روی دست گذاردن و تن به تقدیر و قضا دادن و زیر هر گونه تعدی و ستم رفتن اشتباه می‌شود.

پافشاری و استقامت میخ سزد ار عبرت بشر گردد» (آیت الله جعفر سبحانی، ۱۳۸۸، ۳۶ و ۳۷)

در رساله‌ی قشیریه درباره‌ی صبر چنین آمده است «قال الله تعالی، وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ (نحل ۱۲۷) صبر اندر اوّل کار باید چون خشم گیرد یا مصیبتی رسد یا مکروهی، به صبر استقبال آن باز شود. استاد امام گوید (رَحِمَهُ اللهُ): صبر را اقسام است، صبری بود به کسب بنده و صبری بود نه به کسب بنده، صبر کسبی بر دو قسم است، صبری بود بدان چه خدای، عَزَّ وَجَلَّ فرموده است و صبری بود بدان چه نهی کرده است اما آن صبر که کسبی نیست بنده را صبر او بود بر مقاسات آن چه بدو رسد از حکم حق، سبحانه و تعالی، که در آن رنجی رسد و غیظی نبود.

جنید گوید: از دنیا به آخرت راهی است آسان بر مؤمن و هجران خلق در جنب یافتن حق دشوار است و از نفس به خدای شدن صعب است و صبر کردن با خدای تعالی، صعب‌تر. و پرسیدند از وی از صبر گفت: فرو خوردن تلخی‌ها و روی ترش ناکردن.» (رساله‌ی قشیریه ص ۳۳۷ و ۳۳۸)

اگر چه صبر هم در واژه و هم در عمل تلخ است. اما مثل معروف گر صبر کنی زغوره حلواسازی، انسان را بر آن می‌دارد. که در کارها صبورتر باشد.

منشین ترش از گردش ایام که صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد
(کلیات، گلستان، ۵۳)

اولین میوه‌ی شیرین صبر به عقیده‌ی امام علی (علیه السلام) پشتیبانی مردم از انسان
صبور است.

«أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ : نخستین پاداش
بردبار از بردباریش آن که مردم در برابر نادان، پشتیبان او خواهند بود. »

(نهج البلاغه، حکمت ۲۰۶)
صبر نشانه‌ای از داشتن حکمت و دانایی، و نداشتن آن دلیل نادانی و بی حکمتی است.

گرگزندت رسد تحمل کن که به عفو از گناه پاک شوی
ای برادر چو خاک خواهی شد خاک شو پیش از آنکه خاک شوی
(کلیات، گلستان، ۹۴)

کنج صبر اختیار لقمان است هر که راضی نیست، حکمت نیست
(کلیات، گلستان، ۹۹)

امام در حکمتی این دانایی را بودن در گروه مردان بزرگ و نادانی را ورود به
دسته‌ی چهار پایان ذکر کرده است. «إِنْ صَبَرْتَ صَبْرَ الْأَكْرَامِ، وَالْإِسْلَامُ سُلُوكٌ الْبُهَائِمِ:
یا چون مردان بزرگوار، شکیبا باش و یا چون چهار پایان بی تفاوت باش.»

(نهج البلاغه، حکمت، ۴۱۳)

«وَإِنْ تَصَبَّرْ وَأَخِيرًا لَكُمْ: اگر صبر کنید و به رخصت فرو نیایید و مردانه در راه
احتیاط روید شما را جای نواخت هست و اگر صبر نکنید و رخصت جوید و آسانی
طلب کنید، عذر هست، از آن که شما ضعیفانید! و با خود بر نتوان! باری لاف مردان
چه زنی؟ و جای مردان چه گیرید؟» (کشف الاسرار و عده الإبرار، ص ۵۶)

گاهی صبر در برابر آزار و اذیت و پرخاش دیگران است که مانند همان صبری

گرسبَرکنی زغوره حلواسازی « است.

تحَمَل چوزهرت نماید نخست ولی شهد گردد چودرطبع رُست
(بوستان ۲۵۶)

وبه مرور زمان به یک عادت رفتاری تبدیل می‌شود

چوزو کرده باشم تحَمَل بسی توانم جفا بردن از هر کسی
(بوستان ۲۵۶)

به ویژه گاهی این سختی‌ها و ناراحتی از جانب کسانی برای تو پیش می‌آید که
بارها به تو نیکی کرده‌اند پس شکیبایی در برابر اعمال آنها یک ضرورت است.

به سختی بنه گفتش ای خواجه دل کس از صبر کردن نگردد خجل
درختی که پیوسته بارش خوری تحَمَل کن آن گه که خارش خوری
(بوستان ۳۲۸)

زبون باش چون پوستینت درند که صاحب دلان بارشوخان برند
(بوستان ۲۶۱)

هم چنین باید گفت که این نوع خویشنداری می‌تواند مانع جنگ و درگیری‌ها و
یا ناراحتی‌های بزرگتر گردد. « أَغْضِ عَلَى الْقَدَى وَالْأَلَمِ تَرْضَ أَبَدًا: چشم از سختی
خار و خاشاک فروبند تا همواره خشنود باشی. » (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۳)

صبر زمانی به معنی خودداری از بیان غم و اندوه دل به دیگران است. آن چه مسلم
است این که گفتن غم و غصه به دیگران گرهی از مشکلات شخص باز نمی‌کند.
بلکه گله و شکایت از زندگی و وضع موجود، از عزت نفس انسان می‌کاهد. به
خصوص اگر این شکایت‌ها به دشمن گفته شود، در آن صورت حتّی دشمن از این
کار خوشحال خواهد شد.

خلاف این عمل می‌کند.

انسان خردمند در برابر نادان همانند خودش پاسخ نمی‌دهد چون اگر در عمل مانند او شد در اخلاق نیز شبیه وی خواهد شد.

اگر نادان به وحشت سخت گوید خردمندش به نرمی دل بجوید
(کلیات، ۱۲۳)

امام علی در پاسخ شخصی فرمودند: رويداً انما هو بسبب، أو عفو من ذنب: آرام باشید دشنام را باید با دشنام پاسخ داد یا بخشیدن گناه؟ «(نهج البلاغه، حکمت، ۴۲۰) پس می‌بینیم بخشیدن گناه نشان دانایی و بلند همتی است. در حکمتی دیگر می‌فرمایند: «الحلم والأناة توأمان یتجهما علو الهمة: بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه‌ی آن‌ها بلند همتی است.» (همان، حکمت، ۴۶۰) پس انسان بلند همت گناه دیگران را می‌بخشد و مقابله به مثل نمی‌کند. البته تلافی کردن و قصاص دشمن به خصوص با عجله و شتاب ممکن است پشیمانی به بار آورد.

به تندی سبک بردن به تیغ به دندان برد پشت دست دریغ
(کلیات، ۱۴۴)

« الحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ، فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ: تندخویی بی مورد نوعی دیوانگی است زیرا که تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است. » (نهج البلاغه، حکمت، ۲۵۵)

بنابراین عجله به این دلیل کار شیطان است که یا انسان از کارش پشیمان می‌شود، که آن هنگام پشیمانی سودی ندارد و یا نمیشود که نوعی دیوانگی است و سوق دادن انسان به سوی دیوانگی از خصایص شیطان می‌باشد. این وضع زمانی بدتر خواهد شد که در موضوعی دو نادان طرف مقابل هم قرار می‌گیرند. در آن صورت اگر زنجیری بین آن‌ها باشد پاره خواهد شد. اما بین دو فرد دانا و صبور اگر سرکشی و طغیان

صورت گیرد، در برابر آن شرم و آزرم جویی نیز برقرار است و اگر مویی میان آنها باشد نمی‌گذارند پاره گردد.

دو صاحب دل نگهدارند مویی همیدون سرکشی و آزرم جویی
(کلیات، ۱۲۳)

و گر بر هر دو جانب جاهلانند اگر زنجیر باشد بگسلانند
(کلیات، ۱۲۳)

در نهج البلاغه بردباری پرده‌ای پوشاننده تصویر شده که دیگر کمبودها و رذیله‌های اخلاقی انسان را می‌پوشاند. به ویژه هنگامی که اختلاف و درگیری بین دو نفر پیش آید که معمولاً همراه با آبروریزی خواهد بود. در این مورد خاص عقل می‌تواند. چون شمشیری برآن عمل کند و هوای نفس و خودخواهی را از بین ببرد.

« الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ، وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ، فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ، وَقَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ: بردباری پرده‌ای است پوشاننده و عقل شمشیری است برآن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش. »
(نهج البلاغه، حکمت، ۴۲۴)

با وجود همه‌ی این مطالب گفته شده درباره‌ی صبر می‌توان اضافه کرد که اگر انسان صبر نکند یا به عبارتی ناشکیبا باشد، هیچ فایده‌ای به حال او ندارد همان طور که اگر پول و ثروت کسی ربوده شود هر چند گریه وزاری و بی‌صبری کند دزد پول‌های وی را پس نخواهد آورد و به حال او دل سوزی نخواهد کرد.

گَر تَضَرَّعَ كُنْسِي وَ كَرَفَرِيَادِ دزد زر باز پس نخواهد داد
(کلیات، ص، ۱۴۰)

« أَمْشِي بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ: با درد خود بساز چندان که با تو سازگار است. »
(نهج البلاغه، حکمت، ۲۷)

والثمرات وَبَشَّرَ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۵) بدان که گرسنگی را شرفی بزرگ است و به نزدیک امم و ملل ستوده است و از آن چه از روی ظاهر گرسنه را خاطر تیزتر بود و قریحه مهذب‌تر و تندرست‌تر آن را که شرهی بیشتر نباشد که خود را بر ریاضت مهیا گردانیده. « (کشف المحجوب، ص ۴۱۹)

گاهی صبر در برابر فقر است. انسان دانا می‌داند که گذر از مراحل سخت زندگی نیازمند زمان است و باید با کار و کوشش زیاد و صبر و تحمل فراوان از راه پریچ و خم تنگ دستی عبور کند و حتماً پس از آن به موفقیت و کامیابی خواهد رسید.
اگر تشنه‌مانی زسختی مجوش که سقای ابر آبت آرد به دوش
(بوستان ۳۴۴)

گاهی آدمی از کار آشفته‌ی خود گریان است و فکر می‌کند که زندگی هیچ کس تلخ‌تر از او نیست زیرا دیگران سفره‌های رنگین دارند اما او نان خالی می‌خورد.
گه از کار آشفته بگریستی که کس دید از این تلختر، زیستی
کسان شهد نوشند و مرغ و بره مرا روی نان می‌نیند تره
که ای نفس بی تدبیر و رای وهش بکش بار تیمار و خود را مکش
(بوستان ۱۴۳)

انسان تهی دست پر حوصله می‌تواند از بیابان‌های سخت و خشک حتی بدون راهنما و کمک کاروانی بگذرد. « و گفته‌اند صبر بر طلب، عنوان ظفر باشد و صبر اندر محنت، عنوان فرج باشد. » (رساله‌ی قشیریه، ص ۳۴۱)
تهی دست مردان پر حوصله بیابان نوردان بی قافله
(بوستان ۲۱۲)

اگر شخصی می‌خواهد کاری انجام دهد بهتر است درنگ پیشه کند به ویژه در پاسخ دادن هر کس شتاب کند و اگر تفکر نماید سخنش نادرست از کار در خواهد آمد.

هر که تأمل نکند در جواب بیشتر آید سخنش نا صواب
(گلستان ۷۰۰)

بهترین راه چاره برای رهایی از دست گرفتاری‌ها صبر و شکیبایی است و گاهی
کمک و دعای خیر دیگران هم نمی‌تواند به اندازه‌ی صبر گره گشا باشد.

دعایی نیابد از دست کس گرفتار را چاره صبر است و بس
(بوستان ۳۳۶)

اگر فردی طلبی از کسی دارد و نمی‌تواند آن را دریافت نماید؛ باید تحمل پیشه کند
چون گرفتن طلب خود از دیگران مانند کیمیاگری کار سخت و پرحوصله‌ای است.

طلب کار باید صبور و حمول که نشنیده ام کیمیا گر ملول
(بوستان ۲۱۶)

هر کس که دیگران را در بند و گرفتار مشکلات می‌بیند اگر می‌تواند باید آنها را
یاری رساند نه این که خود نیز بی‌صابری نماید و خشمگین شود.

میر تلخی عیش زروی ترش به آب دگر آتشش باز کش
(بوستان ۲۱۷)

کسی که هنگام جوانی خویشان داراست و می‌تواند در برابر هوا و هوس خودداری
کند و شکیبایی نماید یک خداشناس واقعی است، نه کسی که پیر شده است و دیگر
توانی ندارد که از گوشه‌ای بر خیزد تا چه رسد به این که در پی شهوات خود باشد.

جوان گوشه نشین شیرمرد راه خداست که پیر خود نتواند ز گوشه‌ای برخاست
(گلستان ۷۴۹)

اگر هنرمند از بی هنران ستم بیند نباید آزرده گردد زیرا اگر کاسه طلا با سنگ بی
قیمت شکسته شود نه قیمت زر کاسته می‌شود و نه قیمت سنگ افزایش می‌یابد.

گر هنرمند از اوباش جفا بیند تادل خویش نیازارد و درهم نشود

سنگ بد گوهر اگر کاسه‌ی زرین شکند قیمت سنگ نیفزاید وزرکم نشود
(گلستان ۷۱۱)

صبر چنان آموزنده و مورد نیاز همه‌ی مردم است؛ که شایسته است حتی از حیوانات آموخته شود که به عنوان مثال تحمّل شتر زبان زد است که گویند: «حلم شتر چنان که معلوم است اگر طفلی مهارش گیرد و صد فرسنگ برد گردن از متابعتش نیچد.» (گلستان ۶۶۲)

گاهی مردم در دانستن موضوعی چنان شتاب می‌کنند که ناچارند پرسش و یا کاری انجام دهند تا آن موضوع بر آنان مکشوف گردد اما در پایان متوجه می‌شوند که اگر کمی درنگ می‌کردند بدون هیچ سؤالی، پاسخ همه‌ی پرسش‌های خود را در می‌یافتند. «هر آنچه دانی که هر آینه معلوم تو خواهد شد به پرسیدن آن تعجیل مکن که هیبت سلطنت را زیان دارد.» (گلستان ۷۳۳)

لقمان وقتی می‌داند که اگر تحمّل کند در پایان خواهد دید که حضرت داوود پیامبر چه ساخته است بنابراین از او نمی‌پرسد و به انتظار می‌نشیند.
چو لقمان دید کاندرد دست داوود همی آهن به معجز موم گردد
نرسیدش چه می‌سازی که دانست که بی پرسیدنش معلوم گردد «
(گلستان ۷۳۳)

نتیجه

از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که صبر در ادبیات اسلامی، ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد. صبر گر چه کلید پیروزی‌ها و خوش بختی‌هاست، اما باید انواع و شرایط آن را شناخت و به کار بست. تا به موفقیت‌های دل خواه رسید. صبر گر چه تلخ است چون کامروایی را در پی دارد، پس ثمری شیرین خواهد داشت.

صبر ممکن است در برابر ستم‌گری و آزاردیگران، خویشستن داری در مقابل نکردن

شکوه و شکایت به دشمنان، صبر در رویارویی با انسان نادان، و فرو بردن خشم "والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحبُّ المحسنین" (آل عمران آیه ۱۳۴) باشد.

با صبر انسان می‌تواند رابطه‌های دوستی و صله‌ی ارحام را حفظ و یا تقویت نماید. و موانع از قطع ارتباط‌های اجتماعی و خانوادگی شود.

بی‌تابی در برخی از امور هیچ فایده‌ای ندارد بنابراین تحمل در کارهای بی‌نتیجه، به جا و مناسب است. صبر انسان‌های غنی در بخشندگی و دل‌کندن از مال دنیا و صبر آدم‌های فقیر در بی‌پولی و فقر و امید به نزدیک بودن کامروایی حتی در سخت‌ترین شرایط و خویشتن‌داری در برابر ناکامی‌ها و شکست‌هاست و در نهایت شکیبایی در برابر امر خداوند متعال و تسلیم اختیار او بودن و دل‌به‌قضا و قدر الهی سپردن که خود نیز باعث دوری از ترس و اضطراب خواهد بود.

نکاتی درباره‌ی صبر :

- ۱ - منشأ و سرچشمه‌ی صبر را از خداوند بدانیم (وما صبرک الا بالله - نحل ۱۲۷)
- ۲ - مقصد و هدف از صبر را نیز الهی قرار دهیم، نه خوش‌نامی و نه هیچ چیز دیگر (وَلِرَبِّکَ فَاصْبِر - مدثر ۷)
- ۳ - صبر از صفات انبیاست (وکل من الصابرين - انبیا ۸۵)
- ۴ - صبر کلید بهشت است (ام حسیبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم - بقره ۲۱۴)
- ۵ - صبر در بلاها و آزمایش‌های الهی، محک و ملاک شناخت و روشن شدن چهره‌ی مجاهدان و صابران است (ولنبونکم حتی نعلم المجاهدين منکم والصابرين محمد ۳۱)
- ۶ - صبر سبب دریافت صلوات خداوند است (اولئک علیهم صلوات من ربهم - بقره ۱۵۷)
- ۷ - صبر نسبت به ایمان به منزله‌ی سر برای بدن است. پیامبر (ص) فرمودند :
(وَالصَّبْرُ مِنَ الْاِيْمَانِ كَالرَّاسِ مِنَ الْبَدَنِ)

۸- صبر میزان درجات بهشتیان است (وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا - انسان ۱۲)
(محسن قرائتی ۱۳۹۱ ص ۱۰۸)

و در پایان این که انسان از خاک آفریده شده است پس باید پیش از این که به خاک تبدیل شود، چون خاک صبور باشد.

ای برادر چو خاک خواهی شد خاک شو پیش از آن که خاک شود
(کلیات، ص، ۹۴)

بنی آدم سرشت از خاک دارد اگر خاکی نباشد آدمی نیست
(کلیات، ص، ۹۵)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام علی (ع) (۱۳۸۴) نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت،
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱۰
۴. رازی، ابولفتح (۱۳۷۰) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۱
۵. سبحانی، آیت الله جعفر (۱۳۸۸) رمز پیروزی مردان بزرگ، قم: نسل جوان
۶. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۹) کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر
۷. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۸) گلستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی
۸. سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۷۲) بوستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی
۹. علیکریمی، دکتر علی (۱۳۸۷) در شاه راه موفقیت لاک پشت نباشید، قم: ملینا
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۹۱) دقایقی با قرآن، تهران: ستاد اقامه‌ی نماز
۱۱. قشیری ابوالقاسم (۱۳۸۷) رساله‌ی قشیری، تصحیح بدیع الزمان فروزان فر، تهران: زوار
۱۲. کارنگی، دیل (۱۳۸۷) آیین زندگی، ترجمه‌ی سوزان خدیو، تهران: سپهر ادب
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ معین، تهران: نامن، ج ۲
۱۴. میبیدی، رشید الدین ابوالفضل (۱۳۸۴) کشف الاسرار و عدّه‌الابرار، گزینش و گزارش رضانزابی نژاد، تهران: جامی
۱۵. هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۷۶) کشف المحجوب، تصحیح ژوکوفسکی، تهران: طهوری
۱۶. هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۹۰) کشف المحجوب، گزینش و توضیح محمود عابدی، تهران: سخن

